

## معرفی شهرهای چین در منابع تاریخی و جغرافیایی فارسی زبان

مرتضی ستایی<sup>۱</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2019.4931

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۶

نوع مقاله: ترویجی

چکیده

سرزمین وسیع چین به‌ویژه ترکستان شرقی از دیرباز مورد توجه مورخان و جغرافی‌نگاران مسلمان بوده و آنها در قرون نخستین اسلامی، صفحاتی از کتاب‌های خویش را به وصف این سرزمین اختصاص داده‌اند. با این حال از قرن هفتم هجری، حملات مغول به سرزمین‌های اسلامی موجب افزایش توجه نویسندگان مسلمان فارسی‌نویس به سرزمین چین شد. در واقع مغولان با فتح سرزمین‌های اسلامی و غلبه بر چین موجب ارتباط بیشتر میان سرزمین‌های اسلامی و چین شدند. جانشینان مغول‌ها در ایران یعنی ایلخانان و تیموریان نیز روابط گسترده‌ای با چین برقرار کردند. این جغرافی‌نگاران و مورخان، غالباً اطلاعات بازرگانی، سیاسی و مذهبی درباره چین ارائه کرده‌اند. در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با تکیه بر منابع فارسی، شهرهای چین از نگاه جغرافی‌نگاران و مورخان را بررسی کرده و درصدد پاسخ به این سؤال است که شهرهای چین در منابع فارسی چگونه توصیف شده است؟

---

۱. کارشناسی ارشد، تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران، m.s.setayi@ut.ac.ir

## واژگان کلیدی

چین، شهرهای تاریخی، سینکیانگ، منابع فارسی

### مقدمه

چین با نام رسمی جمهوری خلق چین، کشوری کهن در شرق آسیاست. بیشتر مسلمانان چین در غرب این کشور و در استان سین کیانگ زندگی می کنند؛ به طوری که بیشتر ساکنان این منطقه را مسلمانان تشکیل می دهند. چین از جمله سرزمین های وسیع جهان است که مسلمانان همواره از زمان های دور به آن توجه داشته اند. به همین خاطر مسلمانان با بسیاری از این مناطق ارتباط داشتند و اهمیت این مناطق را در کتاب های تاریخی و جغرافیایی فارسی بیان کرده اند. مهمترین مطالبی که در مورد این سرزمین در منابع تاریخی و جغرافیایی آمده است، اطلاعات تجاری، سیاسی، بازرگانی و ... بوده است؛ اما عوامل مهمی باعث توجه جغرافی نگاران و مورخان فارس زبان به چین شد؛ از جمله حملات مغول به سرزمین های اسلامی در دهه های آغازین قرن هفتم هجری. مغولان که کمتر از پنجاه سال توانستند بخش زیادی از دارالاسلام را تحت سیطره خود در آورند، پیش از حمله به سرزمین های اسلامی، بخش های کوچکی از سرزمین پهناور چین را نیز تصرف کردند. در واقع مغولان با فتح سرزمین های اسلامی و غلبه بر چین، موفق شدند این منطقه از جهان را دست کم برای مدت کوتاه، تحت حاکمیتی یگانه در آورند و موجب برقراری ارتباط بیشتر میان سرزمین های اسلامی و چین شوند؛ اما با این وجود مورخان و جغرافی نویسان فارسی اطلاعات کمتری از چین ارائه کرده اند و تنها کتاب های فارسی که به طور مستقل در مورد سرزمین چین نگاشته شده است، کتاب خطایی نامه و جامع التواریخ ( تاریخ اقوام پادشاهان ختای) است. در این پژوهش آن دسته از منابعی که در قلمرو ایران اسلامی نوشته شده است، مورد توجه اند و از منابع عربی که درباره این سرزمین نوشته شده است، صرف نظر شده است.

### شهرهای چین

چین از جمله کشورهایی است که به دلیل وسعت زیاد، شهرهای زیادی دارد. آنچه از منابع بر می آید، تعداد شهرهای چین سیصد و شصت شهر بوده (حدودالعالم، ۱۳۷۲، ۱۷۹) و بکران تعداد شهرهای چین را سیصد شهر آورده است. (بکران، بی تا، ۷۱) بنا بر منابع، شهرهای چینیان دو

## ۲۰۵ معرفی شهرهای چین در منابع تاریخی و جغرافیایی فارسی زبان

بخش بوده است؛ یک بخش را چین مطلق (چین بیرونی) و بخش دیگر شهرهای چین (داخلی یا درونی) که به آن ماچین هم می‌گفتند. (همان، ۷۱ - ۷۲) باید توجه داشت مسلمانان بیشتر به مناطق شمالی چین توجه داشتند. اکنون با توجه به اطلاعات به دست آمده در منابع جغرافیایی و تاریخی فارسی به معرفی شهرهای چین می‌پردازیم.

### ۱. آق سو<sup>۱</sup>

این شهر در انتهای غربی «سین کیانگ» و دامنه جنوبی کوه‌های «تیانشان» در حدود ۴۰۰ کیلومتری شمال شرقی «کاشغر» و در فاصله ۶ کیلومتری رود «آق سو» بنا شده است. (دایره المعارف بزرگ اسلامی، ذیل، آق سو) در منابع فارسی چنین وصف شده است: «واژه آق در لغت ترکی به معنی سفید است و سو آب را می‌گویند؛ گویا آب آن دیار سفید است. از این روی به این نام خوانده می‌شود. آق سو یکی از شهرهای چین که داخل بلاد ترکستان است، جایی خوش و محلی دلکش و اکثر مردمش صاحبان حسن و جمال بوده‌اند. به گفته شیروانی از بعضی سیاحان شنیدم در نواحی آن شهر، رودی بود که سنگ سبز در آن بسیار یافت می‌شد و مردمان از آن سنگ سبزه ظروف مختلفی می‌ساختند». (شیروانی، بی تا، ۴۲) شهر آق سو در چین نباید با منطقه و شهری به همین نام در جمهوری آذربایجان کنونی، اشتباه گرفته شود. (استرآبادی، ۱۳۷۷، ۲۴۷ - ۲۴۸) آق سو، سه قلعه بود که راه به یکدیگر داشتند و این سه قلعه درهای بسیار محکمی داشتند؛ به طوری که اهالی آن نواحی در زمان جنگ به عنوان پناهگاه استفاده می‌کردند. (یزدی، ۱۳۸۷، ۸۹۵) سکنه این شهر بیشتر از ترکان شرقی و مسلمان سنی‌اند. (دایره المعارف بزرگ اسلامی، ذیل، آق سو)

در بازار بزرگ این شهر انواع فرآورده‌های محلی از قبیل قالی و منسوجات و مصنوعات چرمی و زین و یراق و زینت آلات و منسوجات ابریشمی به فروش می‌رسد. به علاوه معادن غنی مس و آهن و سرب و طلا و سنگ‌های قیمتی از نوع یشم که در رودخانه‌های اطراف آن یافت می‌شد. اهالی این شهر از راه فلزکاری روزگار می‌گذراندند. (یزدی، ۱۳۸۷، ۴۹۶-۴۹۷؛ شیروانی، بی تا، ۴۲)

## ۲. تورفان (طرفان)<sup>۱</sup>

تورفان شهر و واحه‌ای حاصلخیز در منطقه خودمختار «سین کیانگ» است که بیشتر سکنه این شهر از ترک‌های اویغورند. نام این شهر را در زبان اویغور به صورت «تولوپان»<sup>۲</sup> و به زبان چینی به صورت تولوفان<sup>۳</sup> تلفظ می‌کنند. (EI۲ ذیل تورفان) درباره شهر تورفان منابع فارسی اطلاعات زیادی به دست نداده‌اند. فقط برخی مؤلفان، به ارائه اطلاعات اندک و به صورت کلی درباره مذهب و اعتقادات این شهر بسنده کرده‌اند و این شهر را این گونه وصف کرده‌اند: اکثر ساکنان این شهر کافر و بت پرست بودند؛ به طوری که در آن بتخانه‌ای بزرگ وجود داشت و در آنجا بت‌های بسیار قدیمی نگهداری می‌شد. (روملو، ۱۳۴۹، ۱۴۰) بت معروفی در این بتخانه وجود داشت که معتقد بودند این بت شاکمونی است. (ابرو حافظ، زبده التواریخ، ۱۳۸۰، ۸۲۱/۴؛ خطایی، ۱۳۷۶، ۲۷۳) گفتنی است یافته‌های باستان‌شناسی در اواخر قرن نوزدهم میلادی از وجود مذهب مانوی در این شهر خبر داده‌اند. (پیرنیا، ۱۳۸۰، ۱۳۸۰، ۲۶۰)

## ۳. خان بالیغ

«خان بالیغ» یا «خان بالیق» به معنای شهر خان که ترکان شرقی و مغولان از زمان قوبلای قآن به بعد به پکن اطلاق می‌کردند. خان بالغ واژه اویغوری است و گرنه چینیان «دیدو» به معنای پایتخت می‌گویند. (خطایی، ۱۳۷۶، ۱۱۵) نگارش نام این شهر در منابع به شیوه‌های گوناگون، خان بالق، خانبالیق، خانبالغ و خانبالیق ضبط شده است. خان بالق پایتخت سرزمین چین (سمرقندی، ۱۳۸۳، ۳۳۲/۳؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ۶۳۴/۴؛ کاشانی، ۱۴۱۴ق، ۳۲۵؛ خطایی، ۱۳۷۶، ۲۷۸؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ۵۸۰/۲) شهری بزرگ و زیبا و با آب و هوایی خوب و دلگشا بود. (سمرقندی، ۱۳۸۳، ۳۳۶/۳؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ۶۳۴/۴؛ خطایی، ۱۳۷۶، ۳۲۹) «خطایی» در زمان بنای این شهر دچار اشتباه تاریخی شده است و تأسیس آن را در سال ۸۴۰ می‌داند. (خطایی، ۱۳۷۶، ۱۱۵) در حالی که برخی منابع، تأسیس این شهر را در سال ۶۵۸ هجری توسط قوبلای قآن آورده‌اند. (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۶۳۴/۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۵۸۲/۲) در این شهر لوله آبی

<sup>۱</sup>. Turfan

<sup>۲</sup>. Tulupan

<sup>۳</sup>. Tu-lu-fanE, Turfan, new edition, vol.x,p. ۶۷

وجود دارد که اهالی این شهر آن را از درون زمین حفر کرده بودند و به موجب این آب رودخانه- ای در این شهر تشکیل شده بود که اطراف این شهر را سیراب می‌کرد. (خطایی، ۱۳۷۶، ۱۱۵) همچنین «شیروانی» در مورد شهر خان بالغ می‌گوید: این شهر در یک دوره‌ای زیر آب غرق شده بود. (شیروانی، بی تا، ۲۲۷) از کالاهایی که در این شهر به وفور یافت می‌شد، نقره بود. همچنین پارچه‌های چینی در این شهر نسبت به سایر شهرها بیشتر بود. (خطایی، ۱۳۷۶، ۱۱۵، ۱۱۶) بنا به گفته «خطایی» در این شهر، کوهی وجود دارد که مردمان شهر از سنگ‌های آن به عنوان هیزم استفاده می‌کردند. (همان، ۱۳۷۶، ۱۵۲) در اوایل قرن اول میلادی در خانبالیق پادشاهی بود که نامش وانگ بود و به مدت شصت سال حکومت کرد و نصف حکومتش را به عدل و دادگری گذراند و سی سال هم با ظلم و ستم حکومت کرد. این پادشاه، خاتونی داشت که دستور داد تا از همه شهرها شراب و طراسون<sup>۱</sup> بسیار برای پادشاه جمع‌آوری کنند و همچنین سرایی ساخته بود که نامش جنک نیکون بود؛ یعنی سرای شب دراز و تمام درزهای آن را گرفته بود تا هیچ نوری داخل آن نشود و در آن شمع‌های زیادی را روشن کرده بود تا پادشاه در این مکان به مدت زیادی به خوردن شراب مشغول باشد و در این بین شخصی به نام جورودانک به قصد این پادشاه لشکرکشی کرد و پادشاه از شنیدن این حمله ترسید و خود را به آتش انداخت و سوخت و جورودانک توانست این مملکت را تصرف کند. بعد از پادشاه وانک، پسرش، جینک دانک پادشاه شد و بعد از او به ترتیب پسرش کنک دانک و جی دانک به مقام سلطنت رسیدند. (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۸۵، ۳۲ - ۳۳؛ بناکتی، ۱۳۴۸، ۳۴۸) همچنین مؤلف کتاب خطایی نامه از وجود پادشاهی در این شهر خبر می‌دهد که بعد از فوت پدرش بر تخت سلطنت می‌نشیند و از قضا در خواب پیامبر اسلام را دیده است و بعد از بیداری کلمه شهادت را به زبان آورده و به کیش اسلام در آمده است و نام او را یوشعبان

نوشته‌اند. (خطایی، ۱۳۷۶، ۱۱۲) در این شهر دو زندان به نام‌های شین بو و کمبو وجود داشت. این زندان‌ها بر اساس نوع جرم و جنایت از هم جدا بود؛ به طوری که کسانی که در زندان شین بو بودند عقوبت آنها کمتر و جزئی بود. اما کسانی که در زندان کمبو بودند عقوبت آنها سخت بود و به ندرت کسی از این زندان زنده بیرون می‌آمد. (همان، ۱۳۷۶، ۹۸)

۱. نوعی شراب

#### ۴. خانفوا<sup>۱</sup> (کانتون<sup>۲</sup>)

امروزه این شهر، گوانگ جو، در جنوب کشور چین و مرکز استان گوانگ دونگ است. خانفو یا خانفوا، یکی از شهرهای بزرگ و بندری چین (طوسی، ۱۳۴۵، ۲۱۷) و از مراکز بزرگ تجاری چین بوده است. در این شهر نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی و صنعتی دایر می‌شد که قدرت چین را در آن به نمایش می‌گزاردند. (خطایی، ۱۳۷۶، ۵۱۰) در بیرون شهر قلعه‌هایی بود و افرادی در آن نگهبانی می‌کردند و کشتی‌هایی که به آنجا می‌آمدند یک دهم مالیات می‌گرفتند و تمام بارهایی که به داخل شهر می‌بردند، مهر می‌زدند و به داخل شهر می‌فرستادند. در خانفوا هرکس فوت می‌کرد، همان روز دفنش می‌کردند. اگر شخص فوت‌شده ثروتمند بود، بر پیکر او ادویه و اگر درویش بود، صدف می‌زدند و در تابوتی قرار می‌دادند که از چوب نقیر ساخته بودند و این تابوت هزار سال می‌ماند. (طوسی، ۱۳۴۵، ۲۱۷) سکنه خانفو را مسلمانان، مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان و غیره تشکیل داده بودند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۲۱۰/۱) همچنین مؤلف منتظم ناصری بیان می‌کند که شخصی در چین خروج کرد و پیروانی برای خود جمع کرد و به شهر خانفو حمله کرد و آنجا را به محاصره درآورد. با اینکه شهر قلعه‌های مستحکمی داشت، بر شهر غلبه کرد و بیشتر ساکنان آن را به قتل رساند. (همان)

اهالی این شهر معتقدند خانفوا دروازه ورود اسلام به چین بود و کسی که اسلام را آورد سعد ابی وقاص بود که از راه دریا برای تبلیغ اسلام وارد این شهر شد. (خطایی، ۱۳۷۶، ۵۱۰، Ong Siew Chey. P ۱۲۶) و تعداد مسلمانان این شهر را چهار هزار و سیصد نفر گفته‌اند. در خانفو مسجدی است که به مسجد گوان تا<sup>۳</sup> معروف است. این مسجد مناره‌ای دارد که به شیوه مساجد سنتی اسلامی ساخته شده بود. بدین خاطر این مسجد به «گوان تا» شهرت یافته است. در کنار این مسجد مناره‌ای وجود داشت که به عنوان راهنمایی برای کشتی‌ها استفاده می‌شد. وقتی مسجد را بر کنار آن ساختند، به مناره مسجد تبدیل شد. (خطایی، ۱۳۷۶، ۵۱۰). مؤلف خطایی نامه می‌نویسد: میان جنگل مانندی کنار شهر خانفوا (کانتون) «روضه ابی‌وقاص» یعنی مقبره کسی که اسلام را به چین آورد را دیدیم. بر سردر ورودی باغ مقبره به خط عربی به اسلوب چینی نوشته است: «روضه ابی‌وقاص». اطراف ساختمانی که به قبر ابی‌وقاص اختصاص دارد،

۲. Khanfua

۲. نام دیگر این شهر کانتون است. نک: کراچکوفسکی، ۱۱۴

۳. Guan -ta

تعداد زیادی سنگ قبر است که قبرستان مسلمانان خانفوا بوده است. (همان، ۵۱۱). اما باید توجه داشت در مورد محل فوت سعد بن ابی وقاص اختلاف نظر وجود دارد. چینی‌ها معتقدند وی در بندر گوانگ جو یا همان خانفوا از دنیا رفته است و مزارش نیز دلیل این مدعاست. ولی مسلمانان عقیده دارند سعد بن ابی وقاص که از خویشاوندان و یاران پیامبر و فاتح ایران است، در مدینه درگذشته و در قبرستان بقیع مدفون است. در هر حال اگر رفتن سعد به چین صحیح و معتبر باشد، به احتمال زیاد وی شخص دیگری به این نام بوده است و سعد بن ابی وقاص معروف نبوده است. (فدایی، ۱۳۷۲، ۱۲۸)

## ۵. ختن<sup>۱</sup>

ختن با مرکزیت شهر ختن، ناحیه خودمختار اویغور است و در یکی از مناطق آبادشده حوزه «تاریم» در «سین کیانگ»، در راه اصلی جنوب صحرای «تاکلاماکان»<sup>۲</sup> واقع است. (EI<sup>۲</sup>، ذیل ختن) حدوداً ۸۴ درصد جمعیت این شهر را اویغورها تشکیل داده‌اند. (S. Frederick Starr، ۲۰۱۵، p. ۲۶۶) ختن شهری کهن در ترکستان چین، زیبا، قدیمی و آبادان است و از نظر جغرافیایی در اقلیم چهارم (قزوینی، ۲۸۳) و با آب و هوایی خوب، دارای شهرهای قدیمی و نهرهای بی‌شمار قرار گرفته است. این شهر دو رودخانه داشت: یکی را آق قاش و دیگری را قره قاش می‌گفتند. (حدود العالم، ۱۳۷۲، ۱۸۶؛ خطایی، ۱۳۷۶، ۱۱۹) بر اساس نوشته‌های «گردیزی» در قرن پنجم هجری اشاره‌ای به گورستان مسلمانان در نزدیکی ختن شده است. (گردیزی، ۱۳۶۳، ۵۷۷) این شهر به مدت پنجاه سال در تصرف مسلمانان بوده است و بعداً به تصرف پادشاهان چین در آمده بود. (شیروانی، بی تا، ۲۳۲) بهترین محصول ختن، مشک (بکران، بی تا، ۱۰۲) و سنگ یشم است که از رودهای ختن به وجود می‌آمد. (حدود العالم، ۱۳۷۲، ۱۸۶؛ خطایی، ۱۳۷۶، ۱۱۹) اکثر مردم ختن مسلمان حنفی مذهب و شیعه امامیه و عده‌ای هم بت‌پرست بوده‌اند. گفته شده است که مزاری منسوب به حضرت امام جعفر صادق در آن دیار بین «یارکند» و «قرقز» بوده و هر ساله جمع کثیری به زیارت آنجا می‌رفته‌اند. (شیروانی، بی تا، ۲۳۲) مردمان ختن بیشتر ترک و تاجیک و سفیدرو و زیبا بودند؛ حدود العالم در وصف مردمان ختن بیان می‌کند که مردمان این شهر وحشی و آدم‌خوار بودند. (حدود العالم، ۱۳۷۲، ۱۸۶) اما به

۱. Khotan

۲. Taklamakhan

گفته «شیروانی» اکثر مردم این شهر مهمان نواز، فقیرپرور و مهربان بودند. (شیروانی، بی تا، ۲۳۲) «کوچک خان»، حاکم بت پرست، در جریان لشکرکشی خودش به کاشغر متوجه ختن شد و آنجا را تصرف کرد و دستور داد همه مردم به کیش بت پرستی درآیند و همچنین دستور داد تمام دانشمندان و علمای شهر بیرون آیند و مناظره کنند و کوچک خان به علمای شهر گفت: آیا بین شما کسی باشد که مناظره کند؟ در این بین شخصی به نام شیخ موفق علاءالدین محمد ختنی پیش آمد و مناظره کردند و بعد از شکست خوردن کوچک خان، وی مناظره را قبول نکرد و دستور داد تا او را زندانی و به چهار میخ بکشند. (جوینی، ۱۳۸۵، ۵۲/۱-۵۳-۵۴؛ یزدی، ۱۳۸۷، ۱۰۴/۱-۱۰۵)

## ۶. خمدان<sup>۱</sup>

بر اساس نوشته قدامه بن جعفر این شهر توسط اسکندر مقدونی بنا شده بود. (کاتب بغدادی، ۱۹۸۱م. ۱۹۹) در حدود العالم وصف این شهر چنین بیان شده است: خمدان<sup>۲</sup> قصبه چین و شهری عظیم و محل زندگی فغفور چین بوده و دارای درختان بسیار و آبادان بوده است. مردمانی با صورت‌های گرد و بینی پهن داشتند و لباس‌های آنها دیبا و حریر با آستین‌های دراز و دامن‌های بلند بوده است. (حدود العالم، ۱۳۷۲، ۱۸۱) همچنین خمدان در سلسله التواریخ چنین وصف شده است: خمدان مرکز حکومت پادشاهان چین بوده است و به گفته «سیرافی» این شهر به دو قسمت جداگانه تقسیم شده بود و خیابان‌های دراز و پهن آن دو قسمت را از هم جدا می‌کرد. پادشاه، وزیر، سپاهیان، قاضی‌القضات، خادمان خواجه پادشاه و تمام دستگاه‌های حکومتی در نیمه غربی شهر خمدان زندگی می‌کردند و در جانب شرقی شهر از سکونت مردم عادی و بازار خبری نبود. در محله‌هایش نهرها جاری و درختان پرسایه به ردیف‌های منظم در کنار نهرها قد برافراشته و منازلشان بزرگ و وسیع و از هر عیب پیراسته بود. (سیرافی، ۱۳۸۱، ۱۰۵) و از بازاری که در جانب غربی شهر وجود داشت، خبر داده است و اینگونه وصف می‌کند: در نیمه چپ و جانب غربی شهر، رعیت و بازرگانان و ثروتمندان زندگی می‌کنند و بازارها واقع است. در این شهر وکلای دخل و خرج پادشاه، غلامان دربار، غلامان فرماندهان و وکلایشان پیاده و سواره به

۱. Khumdan

خمدان، چانک ان فو است که بعدها آن را «هسی ان فو» نامیده‌اند. نک: حدود العالم، پانویس، ۱۸۱، ۱۸۱  
۲. نام این شهر را سینانفو هم ذکر کرده‌اند. نک: کراچکوفسکی، ۱۱۵)



نیمه‌ای که بازارها و بازرگانان در آنجا هستند، داخل می‌شدند و نیازمندی‌هایشان را خریده و دوباره باز می‌گشتند. آنان تنها هر روز یک بار به این قسمت شهر می‌آمدند و تا روز بعد دیگر نمی‌آمدند. در این سرزمین همه گونه تفرجگاه و بیشه‌زارهای زیبا و نهرهای روان یافت می‌شد. (همان، ۱۰۶)

#### ۷. خنسائ<sup>۱</sup>

خنسائ شهری کهن در ساحل دریای زرد در استان «جا جیانگ»<sup>۲</sup> واقع در شرق چین و پایتخت سلسله «سونگ» جنوبی است. امروزه این شهر به نام قدیم خود «هانگ جو» خوانده می‌شود (دانشنامه جهان اسلام، ذیل خنسائ) و صف این شهر در منابع فارسی بدین صورت آمده است: خنسائ یکی از بزرگ‌ترین شهرهای چین و پایتخت پادشاهان این سرزمین بوده است. این شهر دارای یک دریاچه بزرگ و ساختمان‌های سه طبقه و نیز دارای سه مسجد جامع بزرگ بود که در روز جمعه هر سه مسجد از مسلمانان پر می‌شد. مسلمانان این شهر را به خاطر انبوه جمعیت به ندرت می‌توان در روز دید. (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۵، ۲؛ بناکتی، ۱۳۴۸، ۳۲۳، ۳۴۰؛ خطایی، ۱۳۷۶، ۱۱۷) در وصف بزرگی این شهر گفته‌اند طول این شهر سه شبانه‌روز راه بود و همچنین دارای شش شهر<sup>۳</sup> است که گرد هر یک از این شهرها دیواری بلند کشیده شده بود و شهر اول مخصوص نگهبانان و امیران، شهر دوم مسکن یهودیان، مسیحیان و ترک‌های خورشیدپرست، شهر سوم محل زندگی مسلمانان این شهر بود. شهر چهارم مرکز حکومت پادشاهان، شهر پنجم مخصوص عوام هست که بیشتر صنایع و بازارها در این شهر قرار داشت و شهر ششم هم مخصوص دریانوردان، تعمیرکاران کشتی، تجار و سپاهیان پیاده و سواره بود. (جنید شیرازی، ۱۳۲۸. ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵)

#### ۸. یارکند<sup>۴</sup>

یارکند یا یارقند شهری در ترکستان شرقی در جنوب غربی حوزه «تاریم» و در کنار

<sup>۱</sup>. Quinsai

<sup>۲</sup>. Zhejiang

<sup>۴</sup>. Yarkand

<sup>۳</sup>. به احتمال زیاد منظور از شهر همان قلعه می‌باشد

رودخان‌های به همین نام قرار دارد. اویغورها این شهر را به صورت یارکند و چینی‌ها به صورت شه‌چا<sup>۱</sup> تلفظ می‌کنند. (دایره المعارف ایرانیکا، ذیل یارکند) این شهر در منابع فارسی شهری زیبا، باصفا و با آب و هوایی خوش که زمانی به عنوان پایتخت سرزمین چین بوده است، ذکر شده و از نظر موقعیت جغرافیایی در اقلیم چهارم قرار گرفته است. (شیروانی، بی تا، ۶۱۹) مردم این شهر، اکثراً مسلمانان حنفی مذهب و بت‌پرست و اندکی هم شیعیان امامی بودند. اهالی این شهر، انسان‌های از خود گذشته و راستگو هستند و غریب نوازی‌شان زبانزد بود. (همانجا) یارکند در قرن دهم هجری پایتخت مملکت کاشغر بوده و پادشاهی با نام محمدخان در آنجا حکومت می‌کرده است. (دوغلات، ۱۳۸۳، ۲۰۴) شیروانی درباره حاکم این شهر می‌نویسد: مردمان این شهر حاکمان را انبان می‌گفتند و از جانب امپراتور سرزمین چین انتساب می‌شد و در مورد اجرای قانونشان بر حسب شریعت هر شخص اعمال می‌شد. (همانجا) از وقایعی که در این شهر اتفاق افتاده است لشکرکشی یوسف خواجه<sup>۲</sup> به جانب یارکند بود و آنجا را نیز مسخر نمود و همچنین مقرر حکمرانی خود را در یارکند قرار داد. یوسف خواجه مدت شش ماه و نیم بی‌مانع و عایق به حکمرانی مشغول بود. مردم کاشغر و یارکند از صمیم قلب او را دوست می‌داشتند و دقیقه‌ای از خدماتش غفلت نمی‌کردند. (شمس بخارائی، ۱۳۷۷، ۱۰۶)

### نتیجه‌گیری

توجه به چین از همان قرون نخستین اسلامی و همزمان با کشورگشایی‌ها و فتح سرزمین‌های مختلف توسط مسلمانان آغاز شده بود. مورخان و جغرافی‌نگاران مسلمان اطلاعات مختلفی را در مورد سرزمین چین نگاشته‌اند و کوشیده‌اند تا تصویری روشن از تاریخ و جغرافیا و آداب و رسوم مردمان مسلمان و غیر مسلمان آن نواحی ارائه کنند. از دستاوردهای این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اطلاعات خوبی هرچند کم درباره مناطق و سرزمین‌های اسلامی ارائه شده است؛
۲. پژوهش و مطالعه درباره سرزمین‌ها و ملل گوناگون می‌تواند در بهبود روابط سیاسی کمک کند؛
۳. هرچند قبل از حملات مغولان در قرن هفتم اطلاعات چندانی در منابع فارسی نبود و

<sup>۱</sup>. Shache

<sup>۲</sup>. یوسف خواجه از بزرگان بخارا و معتمد خواجه آق داغلی‌ها در کاشغر بود. برای اطلاعات بیشتر نک: کتاب تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر، ۹۸ - ۱۰۶

اطلاعات موجود فقط به حدود العالم محدود می‌شد، اما بعد از قرن هفتم به‌ویژه بعد از صفویان، نگارش کتب فارسی بیشتر شد و همچنین به دلیل وجود روابط سیاسی و تجاری توجه به این مناطق بیشتر از گذشته شد. اما با این حال در این پژوهش به بررسی و نقد اطلاعات آنها نیز پرداخته شد و درستی و نادرستی برخی اطلاعات مورد بررسی قرار گرفت و در آخر شهرهایی که در منابع ذکر شده بودند با نام امروزی آنها مطابقت داده شد.



### منابع و مأخذ

- استرآبادی، میرزامهدی خان، جهانگشای نادری، چاپ عبدالله انوار، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷ ش.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، چاپ محمداسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۷ ش.
- بخارائی، شمس، تاریخ بخارا، خوفند و کاشغر، چاپ عشیق، محمد اکبر، انتشارات دفتر نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۷
- بکران، محمد بن نجیب، جهان‌نامه، به کوشش محمدمبین ریاحی، انتشارات کتابخانه ابن سینا، بی تا
- بناکتی، ابوسلیمان داوود بن ابی الفضل محمد، روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب (تاریخ بناکتی)، چاپ جعفر شعار، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ ش.
- پورجعفری، محمدرضا، مدخل «تورفان»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۸، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، ناشر موسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع، ۱۳۸۳ ش.
- پیرنیا، حسن، اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجار، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۸۰ ش.
- جوینی، علاءالدین عطا ملک بن بهاءالدین محمد بن محمد، تاریخ جهانگشای جوینی، چاپ محمد قزوینی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۵ ش.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، زبده التواریخ، چاپ سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب، مقدمه و. بارتولد، تعلیقات و. مینورسکی، ترجمه میرحسین شاه ولد، به تصحیح و حواشی مریم میراحمدی و غلامرضا ورهام، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا، ۱۳۷۲ ش.
- خطایی، علی‌اکبر، خطایی نامه، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۷۶ ش.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام الدین، تاریخ حبیب السیر، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۸۰ ش.
- دوغلات، میرزامحمد حیدر، تاریخ رشیدی، چاپ عباس‌قلی غفاری فرد، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۸۳ ش.
- رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ (تاریخ اقوام پادشاهان ختای)، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۸۵ ش.
- روملو، حسن، احسن التواریخ، چاپ عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات بنگاه، ۱۳۴۹ ش.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، چاپ عبدالحسین نوایی،

تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.  
سیرافی، سلیمان، سلسله التواریخ، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱ ش.

شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، بستان السیاحه، تهران، انتشارات سنایی، بی تا.  
طوسی، محمد بن محمود، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ ه ش.

غفاری کاشانی، قاضی احمد بن محمد، تاریخ نگارستان، چاپ مرتضی مدرس‌گیلانی، تهران، انتشارات کتابفروشی حافظ، ۱۴۱۴ ق.  
فدایی، سیداحمد، تاریخ اسلام/ چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، علوم قرآن و حدیث، مشکوه، تابستان ۱۳۷۲- شماره ۳۹، از ۱۲۵ تا ۱۴۹

قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت، انتشارات دار صادر، ۱۹۹۸ م.  
کاتب بغدادی، قدامه بن جعفر، الخراج و صناعه الکتابه، چاپ محمدحسین زبیدی، بغداد، انتشارات دارالرشید للنشر، ۱۹۸۱ م.

کراچکوفسکی، ایگناتی یو لیانوویچ، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.

گردیزی، ابی سعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود، زین الاخبار، چاپ عبدالحی حبیبی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.

گنجی، محمدحسن، مدخل «آق سو»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ناشر مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش.

یزدی، شرف الدین، ظفرنامه، چاپ سیدسعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ ش.

L.HAMBIS, the Encyclopedia of Islam, KHOTAN new edition, EI<sup>2</sup>, v. v

ONG SIEW CHEY, China Condensed ۵۰۰۰ years of History & culture, Edition marshall carendish

PAVEL LURJE, "YARKAND," Encyclopædia Iranica, online edition, ۲۰۰۹,

S. FREDERICK STARR, xinjiang.chinas muslim borderland, London and newyork, published by routledge. ۲۰۱۵

S.SOUCEK, Encyclopedia of Islam, TURFAN, new edition, EI<sup>2</sup>, vol. x